

پایگاه تحلیلی - تبیینی

برهان

قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنَّكُمْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

www.BORHAN.ir

منتشور اخلاق رسانه‌ای



« اخلاق رسانه‌ای » از نگاه رهبر معظم انقلاب (۱)؛

## زیادتر نگوید از آنچه که هست...

هشدارها و تذکرات مقام معظم رهبری در هر حوزه‌ای چراغ راه مسؤولان و ملت شریف ایران است. ایشان در خصوص گسترش فضای تهمت و تخریب در فضای مطبوعات و رسانه‌ها، به کرات نصایح و نقطه نظرات خود را در دیدار با مسؤولان، کارگزاران نظام، دانشجویان و ... اعلام داشته‌اند. مقوله‌ای که گاهی مورد غفلت قرار می‌گیرد.

گروه فرهنگی-اجتماعی برهان: هشدارها و تذکرات مقام معظم رهبری در هر حوزه‌ای چراغ راه مسؤولان و ملت شریف ایران است. ایشان در خصوص گسترش فضای تهمت و تخریب در فضای مطبوعات و رسانه‌ها، به کرات نصایح و نقطه نظرات خود را در دیدار با مسؤولان، کارگزاران نظام، دانشجویان و ... اعلام داشته‌اند. مقوله‌ای که گاهی مورد غفلت قرار می‌گیرد.

«زیادتر نگوید از آنچه که هست، از آنچه که باید و شاید. منصف باشیم؛ عادل باشیم. این‌ها آن وظایف ماست. اینجور نیست که ما چون مجاهدیم، چون مبارزیم، چون انقلابی هستیم، بنابراین هر کسی که از ما یک ذره - به خیال ما و با تشخیص ما - کمتر است، حق داریم که درباره‌اش هر چی که می‌توانیم بگوئیم؛ نه، اینجوری نیست. بله، ایمان‌ها یکسان نیست، حدود یکسان نیست و بعضی بالاتر از بعضی دیگر هستند. خدا هم این را می‌داند و ممکن است بندگان صالح خدا هم بدانند؛ لکن در مقام تعامل و در مقام زندگی جمعی، باید این اتحاد و این انسجام حفظ بشود و این تمایزها کم بشود...»

سایت تحلیلی-تبیینی برهان در این زمینه، مجموعه‌ای از بیانات رهبر انقلاب طی سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۹ با عنوان «منشور اخلاق رسانه‌ای» را گردآوری کرده که در ۳ شماره می‌خوانید.

### مطبوعات و رسانه‌ها:

- \* مؤثرترین سلاح بین‌المللی علیه دشمنان و مخالفان سلاح تبلیغات است. سلاح ارتباطات رسانه‌ای است. امروز این قوی‌ترین سلاح است و از بمب اتم هم بدتر و خطرناک‌تر است. (پس باید مراقب بود).
- \* من مطبوعات را یک پدیده‌ی ضروری و لازم و اجتناب‌ناپذیر برای جامعه‌ی خودمان و هر جامعه‌ای می‌دانم. بنده برای مطبوعات سه وظیفه قایلیم:
  - ۱- نقد و نظارت.
  - ۲- اطلاع رسانی صادقانه و شفاف.
  - ۳- طرح و تبادل آراء و افکار در جامعه.

### وظیفه‌ی اول: نقد و نظارت:

#### تعریف نقد و انتقاد:

\* نقد یعنی عیار سنجی، یعنی:

یک چیز خوب را، آدم ببیند خوب است؛  
یک چیز بد را نیز ببیند؛  
و بعد جمع‌بندی کند.

\* جمع‌بندی کار یک مجموعه هم آن وقتی است که ضعف‌ها و قوت‌ها را منصفانه پهلوی همدیگر قرار بدهد.

انتقاد معنایش این است که هر انسانی بنشیند عیارسنجی کند:

ببیند نقطه‌ی ضعف کجاست؛

ببیند نقطه‌ی قوت کجاست؛

بعد ببیند این نقطه‌ی ضعف - اگر می‌تواند علت‌یابی کند- به کجا برمی‌گردد، سراغ آن‌جا برود؛ یعنی آن ریشه را پیدا کند، اصل را پیدا کند. اگر این کار انجام شد، درست است.

اگر انتقاد به معنای عیب‌جویی باشد:

۱- نه چیز خوبی است؛

۲- نه خیلی هنر زیادی می‌خواهد؛

۳- نه خیلی اطلاعات می‌خواهد؛ بلکه انسان با بی‌اطلاعی بهتر هم می‌تواند انتقاد کند.

۴- انتقاد به معنای عیب‌جویی اصلاً هیچ لطفی ندارد، هیچ فایده‌ای هم ندارد.

### تفاوت نقد کردن و نق زدن:

\* فرق است بین نقد کردن و نق زدن:

الف) نقد کردن یعنی:

یک نکته‌ی تاریک را گفتن،

و با جنبه‌ای مثبت به جنگ آن رفتن،

و بر آن فایق آمدن.

ب) نق زدن یعنی:  
یک نکته‌ی منفی را گرفتن،  
و مدام آن را تکرار کردن،  
و سیاه‌نمایی کردن،  
و یاس پراکندن

### تفاوت تخریب و انتقاد:

\* یک مسأله هم، مسأله‌ی انتقاد و تخریب است؛ مرز انتقاد و تخریب چیست؟  
تخریب بکنند و اسمش را بگذارند انتقاد؛ یا از ما انتقاد بشود و ما تلقی  
تخریب از آن داشته باشیم؟ خوب، باید مشخص بشود تخریب کدام است و  
انتقاد کدام است:

الف) معنای انتقاد آن ارزشیابی منصفانه‌ای است که یک آدم کارشناس  
می‌کند؛ نقادی هم، همین است. وقتی شما طلا را می‌برید پیش یک  
زرگر که نقادی کند، او می‌گوید: «آقا! این عیارش بیست است» یعنی  
عیار بیست را قبول می‌کند؛ حالا از بیست و چهار عیار - که طلای  
خالص است - چهار عیار کم است. این شد نقادی. البته زرگر هم هست و  
وسیله‌ی نقادی را هم دارد.

ب) اما اگر چنانچه طلا را بردید مثلاً پیش یک آهنگر و او یک نگاهی کرد و آن  
را اздаخت و گفت: «آقا! این که چیزی نیست.» این اسمش نقادی نیست.  
اولاً اصل طلا بودن شیء، انکار شده. خوب، بالاخره مرد حسابی! حالا عیار  
بیست و چهار ندارد، عیار بیست که دارد؛ این را قبول کن! ثانیاً: شما که  
اهل این کار و آشنای این کار نیستی!

### تعریف تخریب:

\* تخریب یعنی:

انکار امتیازات؛

قبول نکردن برجستگی‌ها و کارهای خوب؛  
درشت کردن و برجسته کردن ضعف‌ها.

انتقاد تخریبی یعنی آن انتقادی که:

قصد آن اصلاح نیست، بلکه به قصد تخریب است؛

واقعیت، غیر واقعیت، خلاف واقع، ضد واقع و همه چیز در آن هست؛

گاهی یک چیز کوچک را بزرگ می‌کنند؛

گاهی یک چیزی که نبوده به عنوان یک حقیقت مسلم جلوه می‌دهند.

هیچ بنای اصلاح ندارند، این تخریب است.

### طیف وسیع خط تخریب داخلی:

۱- بعضی‌ها واقعاً خبری ندارند؛ یعنی مغرض نیستند، اطلاعاتشان کم است و  
بر اثر بی‌اطلاعی چیزی می‌گویند.

۲- بعضی‌ها غرض‌های شخصی و غرض‌های سطحی دارند.

۳- بعضی‌ها غرض‌های عمقی است. یعنی با نظام مسأله دارند، کینه‌ی امام  
در دلشان است. حرف‌های امام را یا از اول قبول نداشته‌اند یا حالا قبول  
ندارند. (که تهاجم‌ها، پنجه زدن‌ها و لجن پراکنی‌ها، نتیجه‌ی بینش این  
طیف است).

### وظایف نقد کننده:

۱- باید در انتقاد از یک شخص یا دستگاه دچار بی‌انصافی نشویم. باید با انصاف  
بود، با انصاف عمل کرد، با انصاف حرف زد. اگر با کسی دشمن هستید نباید  
موجب شود حتی نسبت به دشمن بی‌عدالتی و بی‌انصافی کنید. نگرانی من  
از انتقاد کردن نیست. یکی انتقاد می‌کند یکی هم جواب می‌دهد، نگرانی  
من از رایج شدن اخلاق بی‌انصافی در جامعه است.

۲- زیاده‌روی نباید کرد. در فریب خوردن از هوای نفس به خودمان سوء ظن  
داشته باشیم. ببینیم کجا هوای نفس است، کجا احساس تکلیف؛ و دقت  
بکنیم که حتی پا از دایره تکلیف آن طرف‌تر نباید گذاشت.

۳- نباید به کسی تهمت زد یا بخاطر یک امر از همه چیزهایی که صلاحیت  
محسوب می‌شود، او را نفی کرد.

۴- در حرف زدن، در تصمیم‌گیری و قضاوت، عدالت را رعایت کنید.

۵- انتقاد با نظر خیرخواهانه است. و آن جایی واقعاً انتقاد است که کسانی با  
نظر خیرخواهانه، نقاط مثبت کاری را توجه می‌کنند و نقاط اشکالشان را هم  
ذکر می‌کنند.

۶- نقد را با عیب‌جویی و با عصبانیت و با بهانه‌گیری نباید اشتباه کرد. اما نقادی  
باید کرد. در عین حال نقدپذیر هم باید بود.

### وظایف نقد شونده:

۱- وظیفه‌ی مسؤولین انتقادپذیری است؛ البته نقدپذیری، فقط مخصوص  
مسؤولین نیست.

۲- برای شنیدن نقد، سینه‌ای گشاده و روی باز و گوش شنوا داشته باشید. هیچ  
ضرر نمی‌کنید اگر از شما انتقاد بکنند.

۳- نقد منصفانه و نقدپذیری متواضعانه هر دو لازم است.

۴- حتی اگر منتقد اشتباه کرد، گوش کنید تا آنجایی که واقعاً درست است  
از شما فوت نشود.

۵- نقدهای مصلحانه و خیرخواهانه (نقدهایی که باید شنید حتی اگر وارد  
هم نباشد):

الف) از سوی دوستان

ب) از سوی کسانی که دوست و طرفدار هم نیستند، دوست هم نیست، دشمن  
هم نیست، لیکن نقد است؛ انتقاد است؛ باید گوش کرد.

ج) نقدهای غیرمغرضانه برخی نخبگان، انتقاد خوب هدیه‌ای است که باید  
گوش کرد.

د) نصیحت علمای دینی، بزرگان دینی، مراجع را باید متنعم شمرد.

۶- البته نباید خود را در معرض اتهام قرارداد، نباید برای جنجال‌آفرینی‌ها - که  
کسانی دنبالش هستند - مسأله درست کرد و بهانه داد.

۷- هیچ دستگاهی نباید خود را از نقد و انتقاد مصون و از عیب خالی بداند.  
(این معنای حقیقی اصلاح نظام مورد نظر اسلام است)؛ همه مشمول این  
قاعده‌ی کلی هستند:

الف) نقد،

ب) اصلاح،

ج) پاسخگویی.

### وظایف مخاطب:

۱- شنونده‌ی تهمت یا غیبت باید (نسبت به کسی که دارد غیبت او می‌شود  
یا به او تهمتی می‌زنند) حسن ظن داشته باشد و آن را قبول نکند. قرآن  
کریم می‌فرماید: «لَوْ لَا ذَٰلِكَ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَانَفْسِهِمْ  
خَيْرًا» وقتی می‌شنوید که یکی را متهم می‌کنند، چرا به هم‌دیگر حسن  
ظن ندارید؟

۲- بحث درست بکنید، بحث منطقی بکنید. سخنی را بشنوید، سخنی را  
یگویند؛ بعد بنشینید فکر کنید. این همان دستور قرآن است. «فیشِرْ عِبَادَ  
الذِّينِ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ احْسَنَهُ». سخن را باید گوش داد، بهترین  
را انتخاب کرد.

۳- من به بزرگان هم نصیحتی بکنم. آن‌ها هم باید توجه کنند:

- مواضع درست گرفتن،

- حرف درست زدن،

- و تحت تأثیر خبرهای دروغ قرار نگرفتن،

این هم وظیفه است. هزاران نفر در نظام اسلامی دارند محض رضای خدا  
زحمت می‌کشند و تلاش می‌کنند و شب و روز خودشان را می‌کشند، برای  
اینکه طبق حرکت اسلامی یک کاری انجام بگیرد، نظام اداره شود، وظایف  
بسیار سنگین انجام بگیرد؛ اما انسان یک خبر دروغی را بشنود، بنا کند همه  
ی اینها را زیر سؤال بردن - مسؤولین دولتی را، دیگران را - این هم مصلحت  
نیست، این هم خلاف است.



«اخلاقی رسانه‌ای» از نگاه رهبر معظم انقلاب(۲)؛

## افکار عمومی

# موش آزمایشگاهی نیست!

مقام معظم رهبری: «بعضی افراد خیال می‌کنند که افکار عمومی، منطقی‌ای آزاد و بی‌قید و بندی است که هر کار خواستند، با آن بکنند! افکار عمومی موش آزمایشگاهی نیست که هر کس هر کار خواست، بتواند با آن بکند. با تحلیل‌های غلط، شایعه‌سازی، تهمت و دروغ، به ایمان، عواطف، باورها و مقدّسات مردم آسیب می‌زنند. این که درست نیست...»

- \* کسی که قلم به دست می‌گیرد، باید:
- تقوا،
- صداقت،
- عفاف،
- انصاف نسبت به دیگران؛

جزو طبیعت ثانوی‌اش بشود.

\* افکار عمومی باید با مطبوعات هدایت شوند. اگر کسی غیر مسؤولانه و خدای ناکرده مغرضانه بخواهد این هدایت را در دست گیرد، به طور یقین خطا خواهد کرد. هیچ‌کس به راننده‌ی مست و خواب‌آلوده اجازه‌ی رانندگی نمی‌دهد. اگر اجازه‌ی رانندگی هم بدهند، شما سوار ماشین او نمی‌شوید.

\* بعضی افراد خیال می‌کنند که افکار عمومی، منطقی‌ای آزاد و بی‌قید و بندی است که هر کار خواستند، با آن بکنند! افکار عمومی موش آزمایشگاهی نیست که هر کس هر کار خواست، بتواند با آن بکند. با تحلیل‌های غلط، شایعه‌سازی، تهمت و دروغ، به ایمان، عواطف، باورها و مقدّسات مردم آسیب می‌زنند. این که درست نیست.

\* نبایدها (برخی مطبوعات و رسانه‌ها نانشان در ایجاد اختلاف است):

- نباید عده‌ای با قلم، بیان و مطبوعات و عده‌ای هم با ابراز مخالفت با فلانی، فضا را آلوده کنند.
- نباید ایجاد یأس بشود؛ اشکال تراشی‌های غیرمنطقی، یک نمونه از ایجاد یأس است.
- همه‌ی این‌ها کارهای ممنوع و ضد ارزش و خلاف مشی جمهوری اسلامی و خلاف حق است:

گروه فرهنگی-اجتماعی برهان؛ در شماره ۱ «منشور اخلاق رسانه‌های دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب در خصوص اولین وظیفه مطبوعات (نقد و نظارت)» ارائه شد. در این شماره به دومین وظیفه مطبوعات که عبارت است از «اطلاع‌رسانی صادقانه و شفاف» می‌پردازیم:

### وظیفه‌ی دوم: اطلاع‌رسانی صادقانه و شفاف:

\* معتقدم که آزادی قلم و بیان، حق مسلم مردم و مطبوعات است. در این هم هیچ تردیدی ندارم و این جزء اصول مصرّحه قانون اساسی است.

\* معتقدم اگر جامعه‌ای مطبوعات آزاد - و دارای رشد - و قلم‌های آزاد و فهمیده را از دست بدهد، خیلی چیزهای دیگر را هم از دست خواهد داد.

\* وجود مطبوعات آزاد، یکی از نشانه‌های رشد یک ملت و درحقیقت خودش هم مایه‌ی رشد است؛ یعنی:

- از یک طرف رشد و آزادی ملت، آن را به‌وجود می‌آورد؛
- از طرف دیگر، آن هم به نوبه‌ی خود می‌تواند رشد ملت را افزایش دهد.

\* البته معتقدم در کنار این ارزش، ارزش‌ها و حقایق دیگری هم وجود دارد که با آزادی مطبوعات و آزادی قلم، آن ارزش‌ها نباید پامال شود. هنر بزرگ این است که کسی بتواند:

- هم آزادی را حفظ کند،
- هم حقیقت را درک کند،
- هم مطبوعات آزاد داشته باشد،
- هم آن آسیب‌ها دامنش را نگیرد.

مطبوعات، رسانه‌ها و افکار عمومی:



- کارشکنی،
- سخن پراکنی علیه دیگران،
- بدگویی کردن،
- افشاکری‌های بی‌پایه و اساس نسبت به اشخاص

- شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی نکنند. کسانی که مصالح کشور را می‌خواهند و مایل‌اند حقایق را غالب کنند، از اختلافات جزئی و غیراصولی صرف نظر کنند

- اخلاق اهمیتش از علم هم بیشتر است. اگر فضا، فضای: اشاعه‌ی فحشا،

- تهمت زدن،
- دیگران رامتهم کردن به شایعات و خیالات باشد؛
- و فضای جامعه را فضای سوء ظن و بدگمانی قرار دادن،
- دل‌ها را تاریک و فضای زندگی را ظلمانی می‌کند.

- یک شخص یا یک جریان را به طور مطلق مورد تهاجم قرار دادن (حتی به قصد اصلاح) جایز نیست و در بسیاری موارد غیبت است.

- انتقاد منطقی، گفتن حرف صحیح، غیر از غیبت است.
- گفتن حرف‌های آشکار و نقد آن به هیچ وجه غیبت نیست. (نیازی هم به افترا و تهمت نیست).

- بعضی از این گونه تهاجم‌ها علیه اشخاص یا جریان‌ها، مصداق:

- تهمت
- افترا،
- قول به غیر علم،
- و سب و شتم است؛

حتی اگر به قصد اصلاح باشد. (تمام وسایل مدرن امروز - از جمله سایت و وبلاگ و ... - هم مشمول همین حکم است. خواندن وبلاگ مانند خواندن کاغذ، است، کتاب است، نامه است، مثل شنیدن حرف است. دوربین هم همین جور است.)

- تهمت زدن به یک شخص گناه است، تهمت زدن به یک نظام اسلامی، به یک مجموعه، گناه بسیار بزرگتری است.

- نباید اختلاف به وجود بیاید؛ همه با هم برادرند. فضا را نباید از تهمت و از گمان سو پر کرد.

- شفافیت این نیست که ما پیام این و آن را بدون اینکه اثبات شده باشد، بگیریم زیر بار فشار تهمت.

- ممکن است چیزهایی را که نسبت می‌دهند در واقع راست باشد؛ اما تا مادامی که اثبات نشده حق بیان وجود ندارد.



« اخلاق رسانه‌ای » از نگاه رهبر معظم انقلاب (۳)؛

# چارچوب اصول، اصول انقلاب است

مقام معظم رهبری: «به هیچ وجه انتقاد کردن را مخالفت و ضدیت نمی‌دانیم اما انتقاد باید در چارچوب اصول باشد و -اگر این باشد- این اصلا یک مخالفت مضر نیست. چارچوب اصول، اصول انقلاب است. اصول انقلاب هم سلیقه‌ای نیست.»

گروه فرهنگی-اجتماعی برهان؛ در شماره ۱ و ۲ «منشور اخلاق رسانه‌ای» دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب در خصوص دو وظیفه مطبوعات («نقد و نظارت» و «اطلاع رسانی صادقانه و شفاف») ارائه شد. در این شماره به سومین وظیفه مطبوعات که عبارت است از «طرح و تبادل آرا و افکار» می‌پردازیم:

## وظیفه‌ی سوم؛ طرح و تبادل آرا و افکار:

### آزادی فکرها:

- \* آن چیزی که به پیشرفت کشور کمک می‌کند، آزادی فکرهاست.
- + آزادی فکرها یعنی:
  - آزادانه فکر کردن؛
  - آزادانه مطرح کردن؛
  - از هو و جنجال نترسیدن؛
  - به تشویق و تحریض این و آن نگاه نکردن و به قولی جوگیر نشدن؛
  - سخن را شنیدن و بهترین را انتخاب کردن.

### \* شاخص‌های نظام برای تبادل آرا و افکار:

- به هیچ وجه انتقاد کردن را مخالفت و ضدیت نمی‌دانیم اما انتقاد باید در چارچوب اصول باشد و -اگر این باشد- این اصلا یک مخالفت مضر نیست. چارچوب اصول، اصول انقلاب است. اصول انقلاب هم سلیقه‌ای نیست. اصول انقلاب:

• اسلام است؛

• قانون اساسی است؛

• رهنمودهای امام است - وصیت نامه‌ی امام است؛

• سیاست‌های کلی نظامی است که در قانون اساسی معین شده؛

در چارچوب اصول، اختلاف نظر، اختلاف ممشاء، اختلاف سلیقه، عیب نیست که حسن است، مضر نیست که مفید و نافع است. اختلاف نظر، اختلاف رأی، اختلاف سلیقه، در مسایل گوناگون، شخصی و عمومی، یک امر طبیعی است.

- من با مناظره، معارضه، گفت و گو و انتقاد مخالفی ندارم اما سعی کنید این در چارچوب‌های درست شرعی و دینی انجام بگیرد. نباید منتهی بشود به دشمنی و

ایجاد نفاق (مردم از فضای تخریب خوششان نمی‌آید).

- آنجا که کسی انتقادی را پرتاب کند، حق نمایان نمی‌شود.

- ایجاد فضای آشفته‌ی ذهنی و لفاظی‌ها هیچ کمکی به پیشرفت کشور نمی‌کند.

- نظام آنجایی که مخالف در چارچوب اصول باشد، یعنی:

• دنبال خشونت نرود،

• درصدد بر هم زدن امنیت جامعه نباشد، آسایش جامعه را نخواهد برهم بزند (تهمت و دروغ پراکنی و شایعه نكند)، با هیچ کس برخورد نمی‌کند.

- آن کسانی که نظرهای مخالف با نظرهای رسمی دارند خود را در چارچوب اصول

مقایسه کنند. اگر کسی:

• با میانی نظام معارضه کند،

• با امنیت مردم مخالفت کند، نظام مجبور است در مقابل او بایستد.

- آنجایی که لازم است باید انتقاد شود و همراهی با مسؤولین به انتقاد نکردن نیست

اما بی اعتماد کردن مردم نسبت به مسؤولین، ترفند دشمن است.

- جنجال فکری به غیر از مباحثات صحیح است.

- بنده هم از نقد استقبال می‌کنم و هم نقد را وسیله‌ی تکامل می‌دانم؛ ما در این

تردیدی نداریم و معتقدیم که نقد منصفانه و پاسخگویی منصفانه به نقد:

• به تقویت دستگاه و نظام کمک می‌کند،

• انسان در مقام رقابت و نقد بهتر کار می‌کند؛

لیکن این نباید با درگیری‌ها، گفت و گوها و بگو مگوهای لفظی اشتباه شود.

- فضای اهانت و هتک حرمت در جامعه، یکی از آن چیزهایی است که اسلام مانع از

آن است؛ نباید این اتفاق بیفتد. فضای هتک حرمت:

• هم خلاف شرع است،

• هم خلاف اخلاق است،

• هم خلاف عقل سیاسی است.

- انتقاد، مخالفت، بیان عقاید، با جرأت، هیچ اشکالی ندارد؛ اما دور از هتک حرمت‌ها،

اهانت‌ها، فحاشی و دشنام و این چیزها؛ همه، در این زمینه مسؤولند. این کار:

- هم فضا را آشفته می‌کند؛

- هم اعصاب آرام جامعه را به هم می‌ریزد (که امروز احتیاج به این آرامش هست)؛  
- هم خدای متعال را هم از ما خشمگین می‌کند.  
- بعضی کسان انتقادی که بر فلان مدیر و مسؤول وارد است، انتقاد به نظام می‌دانند. این غیرمنصفانه است. نظام اسلامی یعنی ترکیب قانون اساسی، روش‌های اجرایی و عملیاتی این نظام، در خود قانون اساسی هست و به‌طور واضح در وصیت‌نامه، سیره و بیانات امام بزرگوار وجود دارد.

- نقد، انتقاد و... برادری ندارد؛ و حتی برخی از بی‌تابی‌هایی که انسان از دانشجویان، آحاد مردم و یا بعضی از مطبوعات می‌بیند که دغدغه دارند، خوب هم هست و نشان‌دهنده‌ی این است که روی عزت و استقلال ملی در جامعه، حساسیت زیاد است؛ اما هیچ کدام از اینها نباید به دعوا، اختلاف و کشمکش منتهی شود. بدترین روش این است که خود این مسأله در داخل به وسیله‌ای برای بگو مگو تبدیل شود؛ این خیلی بد است.

- من می‌خواهم این پیامی باشد به همه ی آن کسانی که یا حرف می‌زنند، یا می‌نویسند؛ چه در مطبوعات، چه در وبلاگ‌ها. همه ی اینها بدانند، کاری که می‌کنند، کار درستی نیست.

- مخالفت کردن، استدلال کردن، یک فکر سیاسی غلط یا یک فکر دینی غلط را محکوم کردن، یک حرف است،

- مبتلا شدن به این امرِ خلاف اخلاق، خلاف شرع و خلاف عقل سیاسی، یک حرف دیگر است؛ ما این دومی را به طور کامل و قاطع نفی می‌کنیم؛ نباید این کار انجام بگیرد.

### \* توصیه‌هایی به جوانان:

مبادا کسی تصور کند که اگر این زبان انتقادی حتی یک کمی تلخ هم باشد، حالا بنده که این‌جا نشسته‌ام، ناراحت خواهم شد، نه؛ اتفاقاً خود این زبان انتقادی هم برخاسته‌ی از همان نگاه و توقعات آرمانی است؛ راضی نبودن به آن چه که داریم، معنایش میل و گرایش رسیدن به آن چیزی است که نداریم و این درست همان چیزی است که ما می‌خواهیم.

بنابراین هم «فکر نو»، هم «نگاه و توقعات آرمانی» و هم «زبان ویژه‌ی برخاسته‌ی از آن نگاه» را داشته باشید؛ این‌ها چیزهای خوبی است و اگر این خصوصیات محفوظ بماند، آن وقت جوان دانش‌جو نقش موتور را در یک قطار ایفا خواهد کرد؛ به حرکت درآورنده، پیش‌برنده و جهت‌دهنده خواهد بود و الا اگر جوان‌ها هم به وضع موجود - یعنی آن چه که هست - قانع و راضی باشند، دیگر پیشرفتی متصور نخواهد بود؛ باید دایم بخواهند به نقاطی که دست نیافته‌اند، دست پیدا کنند.

ما از جوان می‌خواهیم راه را گم نکنند. نقد، اشکالی ندارد؛ اما نفی، بزرگ‌ترین ظلم به این ملت است. بعضی کسان به زبان نقد، نظام اسلامی را نفی می‌کنند.

من به‌خصوص از جوان‌ها می‌خواهم که نگذارند این فضای غیبت، تهمت، فحاشی، هتاک و شکستن حرمت‌ها ادامه پیدا کند. وقتی که ادامه پیدا کرد، به طور طبیعی همان طور سرایت هم می‌کند - مثل بیماری مسری - ناگهان می‌بینید مثلاً در نمازهای جمعه که محل خشوع، ذکر و توجه است، یک چنین چیزهایی گاهی احياناً دیده می‌شود، که غلط اندر غلط است.

این‌ها همان ضربه زدن، شکاف ایجاد کردن و ترک‌دار کردن هیأت عظیم و شفاف و باشکوه نظام اسلامی است که دارد با قدرت حرکت می‌کند و پیش می‌رود. من به‌خصوص به جوان‌ها توصیه می‌کنم. بعضی از این جوان‌ها بلاشک مردمان با اخلاص، مؤمن و خوبی هم هستند، اما خیال می‌کنند این وظیفه است؛ نه، من عرض می‌کنم این خلاف وظیفه است، عکس این وظیفه است.

تکمیل و برطرف کردن عیوب نظام یک حرف است؛ مقابله، نفی و همراهی با براندازان نظام حرف دیگری است.

عدالت خواهی را فریاد کنید اما انتقاد شخصی و مصداق سازی نکنید چون به‌دلیل کم اطلاعاتی و بی‌اطلاعی:

- هم احتمال اشتباه وجود دارد،

- هم وسیله‌ای به‌دست آن زرنگ قانوندان قانون شکن می‌دهد که بتواند علیه شما استفاده کند.

### مصادیق خیانت:

۱- برخی نوشته‌ها در مطبوعات، ضدیت با شاخص‌های اساسی جمهوری اسلامی است. این نوشته‌ها یا از برخی آدم‌های کوتاه‌نظر است (خوش‌بینانه) یا از افراد مغرض و خائن (بدبینانه).

۲- این‌ها توطئه هستند و خیانت‌اند:

۱- اگر کسی مردم را نسبت به آینده‌ی خود ناامید سازد و وضع کشور را آن چنان بد تصویر کند که برای هیچ کس نشاط کار کردن باقی نماند.

۲- اگر کسی دستگاه‌های مسؤول در کشور را با دورغ با بیان مطالب خلاف و یا بیان نکردن بخش‌های مهمی از حقیقت طوری معرفی کند که به هیچ وجه امید و نشاطی به آینده باقی نماند.

۳- اگر کسانی اصل مشروعیت نظام را زیر سؤال ببرند. اگر کسی بخواهد با نوشته‌ی خود، اساس و پایه‌ی اصل نظام را، آینده‌ی این ملت، کشور و مشروعیت این نظام

را در ذهن مردم متزلزل کند این خیانت و براندازی است.

۴- دشمنی و براندازی یک حرف است و حرف مخالف زدن یک حرف دیگر.

### منابع:

- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۹/۱۲/۱۹
- خارج فقه / حکم غیبت با ابزار قلم و رسانه‌های جدید ۱۳۸۹/۱۰/۷
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۹/۶/۸
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانش‌جویان در یازدهمین روز ماه رمضان ۱۳۸۹/۵/۳۱
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هنرمندان و دست‌اندرکاران صداوسیما ۱۳۸۹/۴/۱۲
- دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه‌ی ۶ بهمن ۱۳۸۸/۱۱/۶
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور ۱۳۸۸/۸/۶
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲
- گزیده‌ای از بیانات رهبر انقلاب در نماز عید سعید فطر ۱۳۸۸/۶/۲۹
- خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۸/۶/۲۰
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۸/۶/۱۸
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان مسابقات قرآن ۱۳۸۸/۵/۳
- خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۸/۳/۲۹
- بیانات مقام معظم رهبری در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۳۸۸/۳/۱۴
- بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج ۱۳۸۸/۲/۲۲
- بیانات مقام معظم رهبری در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضاعلیه‌السلام) ۱۳۸۸/۱/۱
- دیدار اساتید و دانش‌جویان در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۹/۲۴
- خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در روز هجدهم رمضان ۱۳۸۷/۶/۳۰
- دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۷/۶/۲
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانش‌جویان دانشگاه‌های شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۴
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانش‌جویان دانشگاه‌های استان یزد ۱۳۸۶/۱۰/۱۳
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانش‌جویان نخبه، برتر کنکور و فعالان تشکلهای سیاسی فرهنگی دانشگاه‌ها ۱۳۸۶/۷/۱۷
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۸۶/۶/۳۱
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانش‌جویان دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۸۶/۲/۲۵
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم گرمسار ۱۳۸۵/۸/۲۱
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانش‌جویان نمونه و نمایندگان تشکلهای مختلف دانش‌جویی ۱۳۸۵/۷/۲۵
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۳/۶/۴
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخن‌جامع رضوی مشهد مقدس ۱۳۸۳/۱/۲
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۸/۱۱
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانش‌جویان نمونه و ممتاز دانشگاه‌ها ۱۳۸۱/۹/۷
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جوانان استان اصفهان ۱۳۸۰/۸/۱۲
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع کثیری از مردم استان گیلان در استادیوم شهید عضدی شهرستان رشت ۱۳۸۰/۲/۱۱
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع دانش‌جویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر / نهضت نرمانفزاری ۱۳۷۹/۱۲/۹
- بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۷۸/۹/۲۳
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران به مناسبت آغاز هفته‌ی دولت ۱۳۷۸/۶/۲
- بیانات در جلسه‌ی پرسش و پاسخ مدیران مسؤول و سر‌دبیران نشریات دانش‌جویی ۱۳۷۷/۱۲/۴
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از جهادگران جهاد سازندگی ۱۳۷۷/۷/۱۵
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی مدرّسین دانشگاه‌ها، به همراه مهندس میرحسین موسوی ۱۳۶۹/۶/۱۸